



العطاس: علم بدون توجه به سنتهای خود و دیگران شکل نمی گیرد/پارسانیا: نظریه های غربی مناسب جامعه شناسان ایرانی نیست

در مناظره میان العطاس و پارسانیا، استاد دانشگاه بین المللی سنگاپور گفت: هیچ عرصه علمی بدون توجه به سنتهای خود و سنتهای دیگران قابل شکل گیری نیست

در مناظره میان العطاس و پارسانیا، استاد دانشگاه بین المللی سنگاپور گفت: هیچ عرصه علمی بدون توجه به سنتهای خود و سنتهای دیگران قابل شکل گیری نیست و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرد: جامعه شناسان ایرانی نمی توانند مفاهیم و نظریات غربی را مورد استفاده قرار دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، مناظره "علوم اجتماعی و متفکران مسلمان، بازسازی یا بدیل سازی؟" روز گذشته 26 آذرماه با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دکتر فریدالعطاس استاد دانشگاه بین المللی سنگاپور در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

در ابتدای این نشست میثم مهدیار سردبیر پایگاه علوم اجتماعی اسلامی ایرانی با بیان اینکه اگرچه تحول در وضعیت موجود علوم اجتماعی در آسیا و ایران تقریباً به یک مطالبه عمومی دانشگاهی تبدیل شده است اما به علت تلقیهای متفاوتی که از ایده تغییر وجود دارد رویکردهای متفاوتی در این حوزه وجود دارد، گفت: العطاس و پارسانیا نماینده دو جریان در این زمینه هستند که به بازسازی علوم اجتماعی فعلی و تحول اساسی یا به عبارت دیگر بدیل سازی در آن می اندیشند.

در ابتدای این نشست العطاس به بیان نظریه «علوم اجتماعی جایگزین» خود پرداخت و گفت: علوم اجتماعی همچون «آشپزی» است که در آن علاوه بر علم و زیبایی شناسی، وجه کاربردی نیز نمایان است و اضافه کرد وقتی از علوم اجتماعی سخن می گوئیم از ارزش حقیقی آن صحبت می کنیم. علوم اجتماعی از زیبایی نیز برخوردار است. به طور مثال زمانی که نظریه ها و نظمی که جامعه شناسان مطرح می کنند را بررسی می کنیم، شاهد نظم و زیبایی خاص خودش است. وجه کاربردی و پژوهش علوم اجتماعی نیز ناظر بر حل مسائل و مشکلات اجتماعی در جامعه می باشد.

استاد بین المللی دانشگاه سنگاپور در ادامه سخنانش بیان کرد: شکل اصلی که امروزه با علوم اجتماعی دارم به دلیل غرب محوری و اروپا مداری آن است و در مقالاتم سعی کرده ام اروپا محوری علوم اجتماعی را به چالش بکشم و وجوه آن را مشخص نمایم. بنابراین باید علوم اجتماعی را ایجاد کنیم که مفاهیم و سنت های غربی را کنار بزنند و اگر بخواهیم به مثال آشپزی برگردیم باید بگوئیم آشپز خوب کسی است که نه تنها از مواد اولیه موجود در جامعه خودش استفاده می کند، بلکه از مواد اولیه ای که متعلق به مناطق دیگر است تا زمانی که مفید باشد، استفاده می کند."

وی مشکل علوم اجتماعی در غرب را در این دانست که علوم اجتماعی در غرب تنها به مواد اولیه و رویکرد خود بها می دهد. استاد دانشگاه بین المللی سنگاپور در ادامه به مبحث علوم اجتماعی جایگزین اشاره کرد و اظهار داشت: فهمی که بنده از علوم اجتماعی جایگزین دارم این است که علوم اجتماعی مسلمانان باید بر اساس سنت خودشان شکل گرفته باشد و در عین حال از سنت دیگران از جمله اروپایی ها به عنوان منبع مفهوم و نظریات برخوردار باشد و هیچ عرصه علمی بدون توجه به سنتهای خود و سنتهای دیگران قابل شکل گیری نیست.

پارسانیا بحث خود را با نقد اروپا مداری علوم اجتماعی آغاز کرد و با اشاره به اینکه، محیط اجتماعی اروپایی و آمریکایی دارای مسائلی است و دانشمندان آن باید مفاهیم خود را ناظر بر آن مسائل سازمان دهد، گفت: جامعه شناسان ایرانی نمی توانند مفاهیم و نظریات ایشان را مورد استفاده قرار دهد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در ادامه با اشاره به صحبت های دکتر العطاس مسئله دیگر را رابطه هنر با علم دانست و افزود: می توان تعبیر عمیق تر از هنر را جایگزین کرد و آن عبارت است از نوع جهان بینی که به انسان و جهان وجود دارد. و این جهان بینی در تکوین علم دخیل است و دخالت آن کمتر از دخالتی که حوزه کاربردی در تدوین و تکوین علم دارد، نمی باشد و گاهی اوقات باید نقش آن را پر رنگ تر دانست. بنابراین غفلت از این مسئله و بی توجهی به هویت فرهنگی و تاریخی نظریات اروپایی و مطلق کردن این نظریات و استفاده از آنها به عنوان ابزار تحلیل، این آفت را به دنبال دارد که ما را از قرائت نظریات بومی و تاریخی منع می کند و مانع از این می شود که ما تلاش های اندیشمندان مان همچون بیرونی، ابن خلدون و فارابی را مورد بازبینی قرار دهیم.

در ادامه العطاس با بیان اینکه در هر زمینه ای از دانش ما یکسری از فعالیت ها و اقدامات را انجام می دهیم اشاره کرد که در علوم اجتماعی ما با چهار وجه روبرو هستیم که به ترتیب عبارتند از: انتخاب موضوع، تعریف مسئله، روش و رویکرد ما به مسئله (منطق) و نهایتاً هدف و غایت مسئله می باشد و جوابی که ما به مسائل می دهیم همان جوابی است که نظریه ها و محقق به مسائل می دهند و منبع نظریه ای که برای جواب به مسائل استفاده می کنیم می تواند هر از هر منبعی اخذ شود.

وی برای روشن شدن بحث مثالی را در رابطه با ظهور و سقوط حکومت های قبیله ای برای شکل گیری خاندان و حکومتی که مغول ها در چین تشکیل دادند بیان کرد و اظهار داشت: نمی توان گفت که تنها نظریات چینی ها برای بررسی اشغال چین توسط مغول ها قابل استفاده است و می توان آن را با استفاده از نظریات ابن خلدون تحلیل کرد. در این سطح از نظریه علوم

اجتماعی، شکل جهان بینی و ایدئولوژی موضوعیت خاصی ندارد و هر اندیشمند غربی، چینی و ... می تواند از نظریه ابن خلدون برای تبیین شکل گیری حکومت مغول در چین استفاده نماید. مشکل ایدئولوژی و جهان بینی در بین چهار سطح مذکور بین سطح اول یعنی انتخاب موضوع و سطح آخر یعنی هدف و غایات به وجود می آید. در نتیجه جهان بینی و ایدئولوژی نباید وارد انتخاب مسئله و روش مسئله (سطح دوم و سوم) شود.

دکتر پارسانیا با تأکید بر محور قبلی سخنانش جهان بینی را در کنار سه عنصر علمی، هنری و کاربردی قرار داد و آنرا بسیار تاثیرگذار در تحصیل معرفت افراد دانست.

وی سطح تأثیرگذاری متافیزیک، جهان بینی و ارزشها را نه تنها در در انتخاب موضوع و غایت و هدف موضوع دخیل دانست بلکه معرفت شناسی پژوهشگر را نیز به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در انتخاب روش و منطق پاسخ و حل مسئله دخیل دانست.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ابن خلدون را دارای عقبه اشعری دانست که متأثر از اندیشه های اشعری به علیت قائل نیست و اضافه کرد: این نوع از تفکر در اندیشه ی ابن خلدون جاری و ساری است. و لذا در هستی شناسی اش معتقد به توحید افعالی است و معتقد به علیت نیست.

العطاس نیز با پذیرش تأثیرگذاری جهانی بینی بر علم اظهار داشت که در علوم اجتماعی می بایست بین جهان بینی های یک متفکر و گزاره های نظری وی تفکیک قائل شد.

وی در ادامه اشعری بودن تفکر ابن خلدون را مورد سؤال قرار داد و اظهار داشت که تفکر ابن خلدون بیشتر متأثر از علیت ارسطویی است و بیان کرد: در رابطه با اندیشه های اشعری در رابطه با علیت بیش از حد اغراق شده است، چرا که بسیاری از اشعریون در زندگی روزمره شان به علیت باور داشتند.

استاد دانشگاه بین المللی سنگاپور در ادامه خاطر نشان ساخت که بحث علیت در حوزه ی متافیزیک قرار دارد و نه در زندگی روزمره، لذا نباید این دو را با یکدیگر خلط شود و به نظر بنده نمی شود از یک نگاه یک به یک و متناظر از متافیزیک و ایدئولوژی به علوم اجتماعی رسید.

پارسانیا در پاسخ به العطاس عنوان داشت: هر چند متافیزیک و علوم اجتماعی دارای یک رابطه متناظر و یک به یک نیستند منتها نبایستی ساینس را مستقل از متافیزیک دانست، زیرا گزاره های متافیزیکی تأثیرگذار بر علم هستند.

وی با اشاره به پوزیتویستهای حلقه وین گفت: آنها اگر چه ادعای جدایی از ارزش و متافیزیک و فلسفه در علم داشتند اما دهانشان مملو از گزاره های ایدئولوژیکی و ارزشی بود. ارزشها قابل تفکیک از محقق نیستند.

در پایان این نشست علمی که به همت پایگاه علوم اجتماعی اسلامی ایرانی، انجمن علمی دانشجویی دانش اجتماعی مسلمین و بسیج دانشجویی برگزار شد از شماره دوم فصلنامه علمی- پژوهشی «نظریه های اجتماعی متفکران مسلمان» رونمایی شد.